

بازخوانی پرونده قاتلانی که از کرده خود پشیمان نیستند

اصرار بر جنایت

وقتی پای صحبت یادفعايات اغلب قاتل‌ها بنشینید از پشیمانی بعد از قتل و هزار آه و افسوس می‌گویند اما هستند قاتلانی که بعد از جنایت نه تنها از جنایتی که مرتکب شده‌اند پشیمان نیستند، بلکه مقتول را مستحق مرگ می‌دانستند، مثل پدر و مادر بابک خرم‌دین که بعد از قتل دختر و پسر و دامادشان نه تنها از جنایت‌های هولناک خود پشیمان نبودند بلکه آنها را مستحق مرگ می‌دانستند. حتی پدر بابک مدعی شده بود اگر دستگیر نمی‌شد، دو فرزند دیگر خود را هم به قتل می‌رساند. ضمن مرور بر تعدادی از این پرونده‌ها، ریشه‌های چنین پدیده‌ای را بررسی کرده‌ایم.

مجید غمخور

تپش

کاش اول پدرزنم را می‌کشیدم

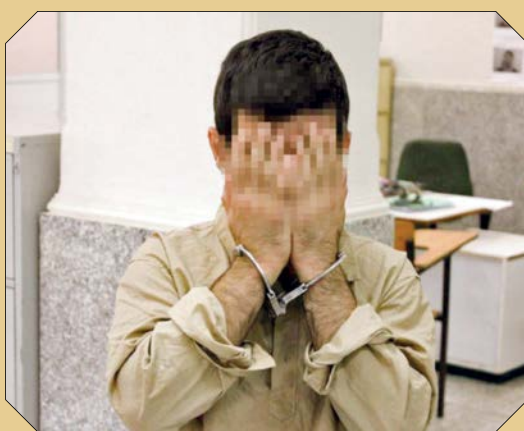
داماد جنایتکار از جمله قاتلانی است که چون پدرزنش را به قتل برساند، ناراحت است. رسیدن پرونده سال ۹۶ همزمان با دستگیری قاتل خون‌میل خانه پدرزنش آغاز شد. در این پرونده اکبر متهم است که همسر و مادرزنش را به قتل پدرزنش را هم مجروح کرده است. با دستگیری او در بازجویی‌ها مدعی شد همسرش قصد طلاق و در ادامه دخالت‌های خانواده همسرش باعث به جنایت دست بزند.

این مرد که کارمند پست بود، ابتدا سلامت روانی و سوی پزشکی قانونی تایید نشد اما با اعتراض

خش

در این پرونده هم مهر سال گذشته می‌کند، صدای درگ خونی کارگر افغان را قاتل که از اتباع افغان صمیمی بودیم، او ناموسی کرد که گفت او مدعی شد عاشق ازدواج کرده‌اند. می‌خواهد به آنجا و وقتی این حرف‌ها را می‌کند فقط مرگ او کرده باید کشت و خانواده میلاد هم به او تجاوز نکرده و

قتل رفیق به اتهام ناموس دزدی



این قاتل قبل از جلسه دادگاه توانست از خانواده ستار رضایت بگیرد و از مرگ‌ها شد اما وقتی برای جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه رفت، مدعی شد مرگ حق و سزای ستار بوده، چراکه ناموس دزدی کرده است. من پشیمان نیستم که چرا دوستم را کشته‌ام و فکر می‌کنم او به چیزی که حقش بود، رسید.

راز رفیق کشی، مهر ۹۸ با کشف جسد مرد افغان در پارک چیتگر برملا شد. تیم جنایی برای تحقیق به محل کشف جسد رفت و مشخص شد مقتول به نام ستار بر اثر اصابت جسم سخت و خفگی جان خود را از دست داده است. در ادامه تحقیقات مأموران ردی از همخانه او به نام امیر در جنایت پیدا کردند اما مرد افغان همزمان با قتل دوستش ناپدید شده بود. همه شواهد نشان می‌داد امیر مرد افغان را کشته و بعد از قتل فرار کرده است. چند ماه بعد امیر هنگام ورود به ایران شناسایی و دستگیر شد. او به قتل همخانه‌اش اعتراف کرد و در مورد انگیزه قتل گفت: من نامزدی در افغانستان داشتم که می‌خواستم با او ازدواج کنم، یک روز که ستار می‌خواست به افغانستان برود برای نامزد و خانواده‌ام کادو خریدم و به او دادم تا به دست آنها برساند. بعد از برگشت ستار رفتار نامزدم تغییر کرد، بعد مدتی فهمیدم ستار خودش را به نامزدم نزدیک کرده و با او ارتباط دارد. عصبانی شدم و با نقشه‌ای همخانه‌ام را به حوالی چیتگر بردم و با چوب چند ضربه به سرش زدم و با بند کفش خفه‌اش کردم. بعد از چند ماه به ایران آمدم و فکر کردم موضوع فراموش شده اما دستگیر شدم.

قتل

رسیدگی به این پرونده شنیدن صدای درگ با حضور در ساختن خونی دیده‌اند که او شماره ۶ با جسد ضربات چاقو به قتل پلیس که احتمال او را چند روز بعد مادر بزرگش گفت: مادر بزرگ رفت، من داشتم و او به من اگر با او زندگی کنم اما هیچ چیز تغییر کرده بود تا این که شد. مادر بزرگ برای

دفن پدر در کمد دیواری



گفتم پدرم را کشتم و در کمد دیواری دفن کردم. همگی گفتند خودت را معرفی کن، من هم آمدم و همه چیز را گفتم. من هیچ وقت از این که پدرم را کشتم، پشیمان نیستم. او حقش بود بمیرد و من این کار را به خاطر اخلاق بد و بدی‌هایی که به مادرم، من و خواهرم کرده بود، انجام دادم.

به جرم قتل پدرش دستگیر شده بود، اما وقتی با خبرنگاران صحبت می‌کرد، آرام بود و هیچ نشانه‌ای از عذاب وجدان یا پشیمانی در چهره‌اش نبود. محمود متهم است که پدرش را با چوب و چاقو در غرب تهران کشته و بعد هم جسد او را در کمد دیواری دفن کرده است. محمود در مورد انگیزه‌اش از ارتکاب قتل می‌گوید: مادرم سرطان داشت و فوت کرد. پدرم در زمان بیماری مادرم با او بدرفتاری می‌کرد و باعث شد از او کینه به دل بگیرم. یک سال بعد از فوت مادرم گفت می‌خواهد زن بگیرد و رفتار بدش با من ادامه داشت تا این که از دست کارها و رفتارش خسته شدم. روز حادثه در سال ۹۶ وقتی خواب بود بالای سرش رفتم و با چوب چند ضربه به سرش زدم. وقتی مطمئن شدم بیهوش شده، دو بار چاقو را در گلویش فرو کردم تا بمیرد. بعد از قتل او را در کمد دیواری دفن کردم و رویش را با گچ پوشاندم. صبح هم‌ام زنگ زد و سراغ برادرش را گرفت، من هم گفتم رفته کله‌پاچه بخرد ولی هنوز برنگشته است. سه روز همه جا را دنبالش گشتند اما اثری از او نبود. بعد از سه روز تصمیم گرفتم بگویم من پدرم را کشته‌ام، به خانه خاله‌ام رفتم و به خواهرم و خاله و بقیه

ک

پسر جوان که پدرش

را کشته و جسدش را

در کمد دیواری دفن

کرده بود، در بازجویی‌ها

مدعی شد ازارهای

پدرش باعث مرگ

مادرش شده و به

همین خاطر او را کشته

و پشیمان نیست

و